

در حاشیه موافقتنامه اخراج کارگران مهاجر ای درختان عقیم...

امیر حمیدی

چهاردهم آبان ماه هشتاد و پنج

خبر نسبتاً کوتاه بود، انعکاس خاصی هم نداشت، اما هزاران انسان فقیر و زحمتکش را لرزاند: اخراج کارگران غیرقانونی افغانی بزودی آغاز می شود. گفته می شود که چیزی بین ۳ تا ۴ میلیون مهاجر افغانی در ایران تقریباً ۷۰ میلیونی وجود دارد. یعنی چیزی در حدود ۵ درصد. همچنین گفته شده که قرار است حدود نیمی از این جمعیت اخراج شوند. حتی اگر قرار باشد که از این ۵ درصد جمعیت ساکن در ایران، نه نیمی از آنها، بلکه از هر پنج نفر یک نفر اخراج شوند یعنی اخراج یک درصد جمعیت ساکن ایران. مستقل از تمام بی حقوقی های موجود، مستقل از تمام توهین ها و تحقیرهایی که هر روزه افغانی های ساکن ایران متحمل می شوند، این طرح و اقدام فقط می تواند یادآور اقدامات نازیسم باشد. اگر -در دوران کنونی- چنین ابعاد اخراج دستجمعی در کشورهای غرب بوقوع می پیوست، حتی اگر طرح آن به زبان می آمد، با اعتراض وسیع توده های مواجه می شد و طراحین آن و رژیم مجری آن به حق فاشیست خوانده و شناخته می شدند. اما گویی هم رژیم جمهوری اسلامی، هم سرکوب شده گانش و هم اپوزیسیونش (چه اپوزیسیون قانونی و چه غیرقانونی اش) و همچنین کشورهای غربی مدعی حقوق بشر و صدور آن و دمکراسی به دیگر کشورها، این جنایت وسیع را امری عادی تلقی می کنند. مستقل از عملی شدن یا نشدن چنین قانون و طرحی، وجود و بیان خود طرح هراسی دهشتناک بر دل و مغز میلیونها انسان نقداً بی حقوق، فقیر، تحقیر، استثمار و سرکوب شده آورده است.

رژیم ج. ا. که سالهاست در مغز اکثر کارگران ایرانی و همچنین اپوزیسیون خودش فرو کرده که یکی از علل اساسی بیکاری و فقر آنها وجود کارگران غیرایرانی (اساساً افغانی) است، نه با اعلام این خبر با مشکل و اعتراض خاص یا وسیعی مواجه شد و به احتمال قوی نه با عملی کردن چنین طرحی با چنین اعتراضاتی مواجه خواهد شد:

مناجیان «حقوق بشر» و «دمکراسی» که در برابر هر تهاجمی به حقوق مدنی «فرهیختگان» وطنی اعتراضشان بلند می شود، گویا میلیونها انسانی که بطور اتفاقی در وطن اینان متولد نشده اند و بالاجبار از خانه و کاشانه شان رانده شده اند آنقدر انسان و «فرهیخته» نیستند که از حداقل حقوق مدنی قابل دفاعی برخوردار باشند؛ اخراجشان به هیچ کجای غیرت فرهیخته ای اینان بر نمی خورد که اعتراض کنند.

درحالیکه چند میلیون برده در میان دهها میلیون برده دیگر به نابودی و سیه روزی هرچه بیشتر کشیده می شوند، دیگر بردگان هم طبقه ای شان یا سکوت کرده اند و یا خوشحالند که شاید اربابانشان دل نازکتر شود و تکه کره ای به نان خالی شان اضافه نمایند. درحالیکه صدها هزار خانواده زحمتکش و فقیر به نابودی مطلق کشیده می شوند، صدها

هزاران کودک از محل زیست و دوستانشان جدا شده و به آینده‌ای نامعلوم و پرخطر حواله داده می‌شوند، هزاران انسان با مرگ و گرسنگی مواجه می‌شوند، دیگر بردگان و «پیشروان»شان (که برای حمایت از هر اعتراض چندنفره خودشان همه‌ی جهانیان را به حمایت فرا می‌خوانند) سکوت کرده‌اند.

انتظار اعتراض، تقابل، اقدام، بسیج، تظاهرات، اعتصابات، راهبندانها و غیره علیه این جنایت بیهوده است. طرح یا عملی شدن این جنایت، هرچند هولناک و هرچند ضد بشری، فعلاً دامن «خودی‌ها» و «وطنی‌ها» را نگرفته است. ذهنیت غالب کارگری چنان است که با این جنایت هولناک، به بهای نابودی هم سرنوشتان دیگرشان، فرجی شده و بهبودی در زندگی نکبت‌بار کنونی خودشان می‌شود. مبارزه افغانیهای مقیم ایران علیه این پاکسازی قومی نه تنها با خشونت ددمنشانه رژیم اسلامی و هم پالگی‌هایش، که همچنین با مقابله هم طبقه‌ای‌های «ایرانی»شان مواجه خواهد شد.

بعلاوه، از «پیشروان» و قهرمانان مقاومت‌های کارگری که با جا و بیجا به میهن، مذهب و امامانشان سوگند می‌خورند، تا قهرمانان مبارزه ضد سرمایه‌داری، که مبارزه‌شان از صفحه‌های اینترنتی و چند اطلاعیه بر له خودی‌ها فراتر نمی‌رود، و قهرمانان «رادیکالیزه» کردن مبارزات رفرمیستی، و پیشتازان مبارزات اتحادیه‌ای، و وکلا و نمایندگان خودخوانده طبقه کارگر، و قهرمانان دمکراسی خواهی و جمهوریت و سلطنت، و دخیل‌بندان به مدنیت بورژوائی، همه و همه سکوت کرده‌اند. برای تمامی اینها بسیج و مبارزه شدید علیه سرکوب یک چند تن از خودی‌هاشان حقانیت ازلی ابدی دارد، و برای آن «کمپین جهانی» براه می‌اندازند، ولی در برابر این پاکسازی قومی و جنایت میلیونی، اقدامشان از صدور یک اعلامیه و فراخوان خشک و خالی و برای خالی نبودن عریضه فراتر نخواهد رفت. و حتی از این نیز تاکنون دریغ کرده‌اند!

«... ریشه تان در خاکهای هرزگی مستور،

یک جوانه ارجمند از هیچ جاتان رست نتواند.

ای گروهی برگ چرکین تار چرکین پود

یادگار خشکسالی‌های گرد آلود،

هیچ بارانی شمارا شست نتواند!» (م. امید)

امیر حمیدی

amirhamidi1234@yahoo.com